

کشف جو و فضای نزول در تفسیر، با تکیه بر زبان قرآن

داود سلیمانی *

ناهیدالسادات موسوی **

محمد صافحیان ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

چکیده:

هدف اصلی مقاله، شناخت فضا و جو نزول قرآن، از معبر متن و زبان قرآن است. بیان مسأله از تقابل و چالش بین دو روش در برخورد با فضا و جو نزول در تفسیر حکایت دارد. یک روش، راه یابی به فضا و جو نزول را از معبر بیرونی و خارج از متن جستجو می کند و روش دیگر، متن قرآنی را هم در کشف این فضا موثر می داند. سوال این است که: «آیا می توان از طریق آیات و زبان بکار گرفته شده نیز به فضا و جو نزول قرآن پی برد؟» با فرض مثبت بودن پاسخ، این فرضیه با روشی توصیفی _ تحلیلی و با تحلیل زبانی و تکیه بر توصیف ویژگی هایی از زبان قرآن، چون «زبان واقع نما» و «زبان ارجاعی» نقش «زبان ادیبانه و فصیح قرآن» آیات مربوطه مورد مذاقه قرار گرفت و نشان داده شد، که این امر مویدات بسیاری در پاسخ به سوال و فرضیه مذکور را داراست. دستاورد این پژوهش نشان می دهد، همانطور که شناختی اسباب، جو و فضای نزول آیات و سور قرآنی می توانند در فهم و تفسیر قرآن موثر باشند، آیات و سور قرآنی نیز در شناخت جو و فضای نزول قرآن و آیات آن موثر و قابل اعتناست.

کلید واژه ها: زبان قرآن، اسباب نزول، دلالت های زبانی، فضای نزول.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ davoud4136@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ mousavi.n110@gmail.com

*** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ msafehian@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

زیرا همواره از فضا، جو و سبب نزول، پلی برای فهم و تبیین قرآن زده شده است و نه بالعکس، و اینکه از طریق قرآن و آیات و سور چگونه و به چه طریقی می توان به فهم واقعی تری از جو و فضای نزول پی برد، کمتر نشانی می توان سراغ گرفت. پس از بیان این مسأله این سوال مطرح است که: «آیا می توان از طریق آیات، به فضا و جو نزول قرآن پی برد؟» آیا این رابطه بین قرآن و فضای بیرونی، رابطه ای یک سویه است؟ یا می توان از متن نیز به شناخت فضا و جو نزول پی برد؟ فرض این نوشتار بر آن است که با تحلیل و تفسیر آیاتی که متضمن بعدی از ابعاد فرهنگی مردم عرب عصر نزول یعنی فضا و جو نزول قرآن است، می توان فضا و جو نزول را دریافت. این همان وجه کمتر کارشده و مغفول مانده، یعنی نقش خود "آیات در بیان جو و فضایی" است که قرآن در آن جو یا فضا، نازل گشته است. در این مقاله با طرح سوال پیش گفته در بررسی فرض مورد نظر، آیات و سوری از قرآن که تعبیر به کار رفته در آن می توانست ناظر به فضای صدور باشد، انتخاب و با تکیه بر علوم زبانی و تفسیری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه این تحقیق، پژوهشی که اختصاصاً به تحقیق در مورد کشف جو و فضای نزول از طریق آیات و سور، پرداخته باشد، مشاهده نشد؛ گرچه به طور مجزا در خصوص موضوع فضای نزول پژوهش هایی در قالب کتاب، مقاله و رساله انجام شده است که ذیلاً به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- اولین اثر که بیشترین مطلب را در خصوص فضا و جو مطرح نموده است، اثر دانشمند و مفسر گرامی "تفسیر تسنیم"، آقای

یکی از امارات و قرائن، در تفسیر برخی از آیات قرآن و درک مفاهیم آن، توجه به اسباب نزول آیات است. بیش از هشتاد و دو سوره از قرآن دارای آیاتی است که برای آن اسباب نزول ذکر شده است. مثلاً واحدی در سوره بقره برای حدود یکصد آیه آن سبب نزول ذکر کرده است، همچنین در آل عمران حدود پنجاه آیه را دارای سبب دانسته است و در کتاب خود بیش از آنچه برخی نویسندگان ذکر کرده اند (خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۹۳) روایات اسباب را آورده است. (واحدی نیشابوری، ۱۳۶۲: ۱-۱۴) بدیهی است که تمامی روایات منقول در اسباب النزول ها دارای اعتبار یکسانی نبوده و نمی توان همه آن ها را پذیرفت. و باید به اسبابی که نقل و روایت صحیح آن را تایید می کند، استناد نمود. در آن صورت دانشمندان، یکی از راه های مهم تفسیر آیات مسبب را، شناخت سبب دانسته اند. (سیوطی، ۱۴۱۰: ۷) و آن واقعه و یا سوالی است که، به سبب آن، آیه یا آیاتی نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۲۵: ۴۸) اما "فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه ای است که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است" (جوادی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۸۷) که می تواند، تصویر روشنتری از "معانی و مقاصد آیات کریمه" (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۵۱) که هدف تفسیر است، ارائه دهد. اما اینکه آیا این فقط سبب یا فضا و جو نزول است که می تواند کاشف از قصد آیات و سور از مراد خداوند در قرآن باشد و یا خود آیات و سور قرآنی نیز می تواند کاشف از سبب، فضا و جو نزول باشد، امری است که در خلال پژوهش های تفسیری و قرآنی کمتر بدان توجه شده است.

نزول است؛ اما این نوشتار می خواهد در چهارچوب نظری «تعامل و تبادل متقابل فضا و جو با قرآن»، به بررسی موضوع بپردازد و نقش آیات را در کشف فضا و جو جستجو نماید.

۳. مبانی نظری پژوهش

الف - تفسیر

تفسیر در لغت از فسر، به معنای پرده بر گرفتن و "اظهار معنای معقول است و گاه در مورد معنای مفردات و الفاظ غریب بکار می رود." (رامیار، ۱۳۹۶: ۳۸۰). همچنین آن را معادل "کشف القناع" دانسته اند؛ و در اصطلاح به معنای کشف معانی قرآن و بیان مراد از آن است. چنانکه گفته اند: "اعلم ان التفسیر فی عرف العلماء کشف معانی القرآن و بیان المراد..." (سیوطی، ۱۴۲۵: ۵۶۹). همچنین گفته شده: "ازاله الخفاء عن دلالة الآیه علی المعنی المقصود." (سیحانی، ۱۳۸۴: ۱۱) "و ذهبی آورده است: "...انه مبین لالفاظ القرآن و مفهوماتها." (ذهبی، ۱۳۹۶: ۱: ۱۴). از میان تعاریف ارائه شده در تفسیر مصطلح، تعریف زیر جامع تر به نظر می رسد: تفسیر تنها به معنای نقاب برداشتن از لفظ مشکل نیست، بلکه سعی در آشکار کردن و زدودن آن امر پوشیده در دلالت کلام است. (معرفت، ۱۳۸۳، ۱: ۱۷-۱۸).

ب- جو نزول

جو در لغت بمعنای "هوا" ست چنانکه راغب گوید: "الجو الهواء. قال الله تعالی: "فی جو السماء ما یمسکهن الا الله" (نحل / ۷۹) و در اصطلاح به شرایط و بستر کلی نزول قرآن در جهان (و عصر نزول)، گویند. جوادی آملی در بیان عناوین سه گانه شان، فضا و جو می نویسد: "جو نزول مربوط به کل قرآن

جوادی آملی است که محور بسیاری از مباحث مطروحه در این حوزه، حول آرای ایشان است. ایشان در جلد اول این تفسیر (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱) به تعریف «شان، فضا و جو نزول قرآن» و تفاوت آن‌ها با یکدیگر پرداخته است. ولی مستقیماً این رابطه معکوس را مورد بحث قرار نداده، ولی با تعبیری که می توان «نسبت تبادل و تاثیر متقابل» متن قرآنی و شرایط خارجی و ارتباط آن‌ها را کشف نمود، اجمالاً این معنا را -که قرآن نیز در آیاتی به انعکاس این فرهنگ پرداخته است- مورد توجه قرار داده اند ولی مستقیماً وارد آن بحث نشده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱: ۲۳۶)

۲- همچنین مقاله‌ای تحت عنوان "بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم" از بهاءالدین خرمشاهی در مجله بینات است که با تکیه بر برخی گزارش‌های قرآنی که جنبه اخباری دارد، نشان داده که قرآن بازتاب دهنده فرهنگ و برخی عادات و رسوم عصر نزول است «خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۹۴». این مقاله اگرچه در این امر دارای قرابت با کار حاضر است ولی نگاهی به کشف "جو" که این مقاله در صدد آن است، نداشته است.

۳- در میان اندیشمندان مسلمان عرب نیز، سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» از جو نزول یا جو قرآن نام می برد و بخش زیادی از مباحث تفسیری خود را به بحث از شخصیت سوره و فضای حاکم بر سوره اختصاص می دهد (سید قطب، ۱۴۱۲، ۱۰: ۱۱۱).

تأمل در کارهای انجام شده نشان می دهد، بیشتر مطالعات انجام شده، در چارچوب نظری همان نظریه رایج است که فهم و تفسیر برخی از آیات و سوره قرآنی، متکی به فهم اسباب، فضا و جو

است و نه آیه و یا سوره. "جو نزول مربوط به سراسر قرآن کریم است و مراد از آن بستر مناسب زمانی و مکانی نزول سراسر قرآن است. حوادثی که در طی سالیان نزول قرآن در حوزه اسلامی و یا خارج از قلمرو زندگی مسلمانان و حکومت اسلامی پدید آمد و شرایط و افکاری که بر آن حاکم بود و یا رخدادهایی که بر اثر نزول آیات قرآن در جهان آن روز پدید آمد." (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱: ۲۳۶).

ج- زبان قرآن

زبان، در عربی هم معادل "اللغه" و هم "اللسان" است. در کاربرد زبانی گاه زبان به معنای عام آن مراد است، که به نفس "سخن گفتن" اطلاق می شود، به معنای بیان مافی الضمیر انسان؛ و گاه با اضافه شدن به قوم و یا موضوعی، معنایی خاص می یابد. مانند: "و هذا لسان عربی مبین" (نحل / ۱۰۳) و یا "زبان قرآن"، "زبان فلسفی" و امثال آن. شاید از این روست که فراهیدی اللغه را "اختلاف الکلام فی معنی واحد" (الفراهیدی، ۱۴۱۴، ۳: ۱۶۴۳) می داند. لسان به نطق و بیان و سخن گفتن نیز گفته شده است: "اللسان ما یناطق" (الفراهیدی، ۱۴۱۴، ۳: ۱۶۳۴). بعضی زبان را «مجموعه ای از دلالت ها و نشانه ها» دانسته اند. «مراد از دلالت یا نشانه هر نوع علامتی است که در روابط میان افراد بشر به کار بیاید» (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۸۷). اما مراد از "زبان قرآن" و کاربرد خاص آن را می توان در دو بعد اعجاز بیانی و معنوی تقسیم نمود. این زبان، بدلیل آنکه مخاطبان آن انسان هابند، در مرحله تجلی و نزول قرآن در قالب زبان عربی و زبان قوم "و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه" (ابراهیم / ۴) و با ویژگی "عرفی بودن" [خمینی، ۱۳۸۵:

۲۲۰) همراه و با توصیفات همچون: عربی (یوسف / ۲)، هدایت (بقره / ۱۸۵)، و نور (شوری / ۵۲)، بیان (آل عمران / ۱۲۸)، مبین (حجر / ۱)، موعظه (آل عمران / ۱۲۸) و... خوانده شده است. برخی نیز زبان قرآن را ذواضلاع و ذو مراتب دانسته و آن را محدود به زبان عرف نکرده اند بلکه هم عرفی و هم خاص؛ و به تعبیری تلفیقی از آن ها دانسته اند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۵۲-۳۵۸). برخی زبانشناسان نیز اساساً زبان را در معنای عام آن، امری واقع نما و به تعبیری "زبان ارجاعی" (صفوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱) می دانند. در این مقاله ارجاعی بودن زبان می تواند در تجزیه و تحلیل و بررسی سوال و فرضیه مطرح شده مورد توجه قرار گیرد.

د- فضای نزول

فضای نزول سوره به معنای شرایط و اوضاع و احوالی است که سوره در آن نازل شده است. یعنی بین سوره نازل و فضای خارجی تعامل و تاثیر متقابل وجود دارد؛ چنانکه در جو نزول قرآن نیز این امر حاکم است. همانطور که فضا و جو موجود، نزول سوره و کل قرآن را اقتضا می کند، نزول سوره و قرآن نیز، فضا و جو نزول را تغییر می دهد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱: ۲۸۶).

۱- زبان واقع نما و کشف جو و فضا

فرض ما در این مقاله بر این است که: میتوان از طریق متن، به جو و فضای نزول آیات پی برد. یعنی در اینجا کلام و سخن یعنی متن زبانی، در کنار تاریخ نزول قرآن و رویدادهای عصر نزول، یک پل ارتباطی دیگری بین خواننده قرآن، تفسیر آن و

این تعبیر، آن فرهنگ را بطور محسوس القاء می کند. علاوه بر اینکه جایگاه زن در عصر جاهلی و نوع نگاه به او را به صورت کلی باز می تاباند.

۲- فهم "فضا و جو" در پرتو زبان ارجاعی

برخی زبان را به دو گونه فرا زبان و زبان ارجاعی تقسیم نموده و نوشته اند که: «فرازبان»^۱ یا «زبان نحو»^۲ از یک سو و «ارجاع زبان» (= زبان ارجاعی)^۳ از سوی دیگر، در اصل به دو نقش زبان اشاره دارد که نقش فرا زبانی و نقش ارجاعی زبان نامیده می شوند. نقش فرا زبانی، یا به عبارت دیگر نقش انعکاسی زبان، یکی از ویژگیهای زبان است در اصل می توان نقش فرا زبانی را استفاده از زبان برای صحبت درباره خود زبان دانست. منظور از «ارجاع زبان»، زبانی است که در ارجاع به «موضوعات» (خارج از زبان به کار می رود: برای درک «فرا زبان» و «ارجاع زبان» می توان از دو نمونه زیر بهره گرفت: الف - خدا پروردگار من است.. ب - الله یک اسم است. در جمله الف، به اطلاعاتی دست یافته می شود که از درون زبان به بیرون زبان ارجاع داده می شوند، در حالی که در جمله ب، اطلاعاتی درباره خود زبان به دست داده شده است. در چنین شرایطی، جمله الف در نقش ارجاعی زبان به کار رفته است. محک صحت و سقم جملات ارجاعی زبان و رد یا تأیید اطلاعات مندرج در آنها از طریق عوامل برون زبانی امکان پذیر است؛ در حالی که صحت و سقم اطلاعات جملات فرا زبانی در قالب قراردادهای درون زبانی ممکن می شود (صفوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱). بنابراین امر واقع را می توان با استفاده از زبان ارجاعی

فضای عصر نزول است. آیات قرآن، گاه خود مستقیماً و بواسطه گزارشی تاریخی ما را به فضا و جو نزول نائل می گرداند. و گاه مفسر باید از لابلای متن و با روشی هرمنوتیکی به نانوخته های متن نائل و به کشف شرایط و اوضاع و احوال و فرهنگی که در آن، متن متولد شده پی ببرد. برخی برآنند که یکی از توانایی های زبان، «واقع نمایی» است. آیاتی که جنبه گزارش و اخبار از واقعیت و حوادث دارد، مقرون و محکوم به صحت است. برخی گفته اند: " گزاره های قرآنی را می توان به دو گروه اخباری و انشایی تقسیم کرد. جمله های اخباری به طور مستقیم از واقعیتی گزارش می دهد، یا آن را نفی می کند؛ آن واقعیت ممکن است وجود یا عدم یک چیز یا صفت یا حالت باشد و ممکن است اخبار از یک واقعیت مشهود یا غیبی یا اخبار از امور مادی یا مجرد عالم باشد؛ از بطن انسان یا از آفریدگار جهان، از پدیده های گذشته، حال یا آینده، از پدیده های این جهان یا جهان آخرت حکایت داشته باشد." (سعیدی روشن، ۱۳۸۲: ۱۹۳) اما جمله های انشایی متضمن انشاء امر و نهی و درخواست انجام فعل یا ترک فعل، استفهام و پرسش، امید و آرزو، تحسین و تعجب و جز اینهاست." (زرکشی، ۱۴۰۸، ۲: ۳۳۰) مثلاً برخی آیات به وضوح ما را به فضای جاهلیت پرتاب می کنند و بی هیچ کنکاش جدی خود، فرهنگ زمانه، و فضای نزول را ترسیم می نماید؛ چنانکه مثلاً "وَ إِذَا الْمَوْودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ" (تکویر/ ۸-۹)، بیانگر عادت جاهلی برخی اعراب در برخورد با فرزند دختر است. که وی را از شدت خشم و خجالت (نحل، ۵۸) زنده به گور می کردند در برخورد با فرزند دختر است. که وی را زنده به گور می کردند. زیرا تعبیر به کار رفته المّووده است. «فهی موّوده، ای مدفونه حیه» (طوسی، بی تا: ۲۸۲) که

¹] metalanguage = Metasprache

² syntaxlanguage Syntaxsprache

³ object - language Objektsprache

عربی رایج و فرهنگ ادبی عصر است هرچند در ترازوی بالاتر که از آن به معجزه بیانی یاد شده است. "میان زبان و واقعیت رابطه مداوم است. به سخن دیگر، مبنای زبان و علت وجودی آن واقعیت بیرونی است که قوه شعور و ادراک آدمی آن را منعکس می کند؛ بنابراین ارتباط افراد بشر بر اساس واقعیت صورت می گیرد نه چیز دیگر." (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۲۳) [در اینجا زبان قرآن، خود راهنمایی است به فضای فرهنگی حاکم بر جزیره در عصر نزول.

۱-۳- زبان و کشف "فضای" فرهنگی

در سوره حجرات می فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ" (حجرات/۴). کسانی که از فراسوی حجره ها- اطاقها یا خانه های خرد- (که وراء الحجرات بیانگر آنست) تو را آواز می دهند، که ("ینادونک" مشعر به آنست)، بیشترشان نابخردند. و شواهد لفظی "ینادونک من وراء الحجرات" و "لا یعقلون" فضایی را برای خواننده ترسیم می کند که می توان از خلال این زبان، به آن فرهنگ پی می برد.

۲-۳- زبان فصیح قرآن و ترسیم "فضای" مخالفت با وحی توسط مشرکان

بلاغت و فصاحت قرآن در تصویر پردازی فضاها اعم از فضاها واقعی و یا نشان دادن شدت و ضعف امری روحی و روانی بسیار موثر و کارآمد است. برخورد قرآن با ابولهب را می توان بعنوان نمونه ای مطرح کرد: "تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ....." (مسد/۱-۵) «به گفته ابن اثیر، در فرازهای سوره زیبایی سجع با حقیقت روان شناسانه به هم آمیخته است. پیام هشداردهنده

در گزاره های خبری قرآن کریم دریافت. توجه به زبان ارجاعی در تفسیر می تواند در پاره ای موارد به تصحیح برخی برداشت ها کمک کند و فضای بدست آمده از این طریق، خود معیاری برای سنجش برخی روایتگری ها در ترسیم فضاها حاکم بر نزول سوره باشد. به تعبیر دیگر می توان نمونه های بسیاری را در قرآن جست که فضا و جو نزول را انعکاس می دهد. نمونه های زیر می تواند در این رابطه در ترسیم فضای جنگ احزاب گویا باشد. سوره احزاب آیات ۹ تا ۲۷ بخشی از فضای جنگ احزاب و رفتارهای منافقان را بازتاب می دهد. این فضا بر اساس آیات دارای خصوصیات زیر است: «فضای ترس و وحشت از حمله و به شک افتادن» (الأحزاب/ ۱۰)؛ «آزمون و تزلزل و تردید»؛ (الأحزاب/ ۱۱)؛ «ترسیم رفتار منافقان در میان مومنان»؛ (احزاب/ ۱۲)؛ «بهبانه تراشی منافقان برای فرار و بازداشتن مسلمانان از جهاد و بهانه جویی»؛ (احزاب/ ۱۲)؛ «بیان حالات روحی ایشان و عدم رضایت به جهاد» (احزاب/ ۲۰) و یا حوادثی چون جنگ بدر و احزاب و امثال آن که در آیات تجلی یافته و بیانگر فضای نزول سوره است. "لقد نصرکم الله بیدر و اتم اذله.."(آل عمران/ ۱۲۳) شما در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید... و یا: "اذ تصعدون و... الخ (آل عمران/ ۱۵۳). که به شکلی بسیار ملموس گریختن عده ای و خواندن پیامبر ایشان را به مقاومت و ایستادگی و برگشتن به جای خود را ترسیم نموده است.

۳- نقش زبان ادیبانه و فصیح قرآن در کشف فضا و جو

زبان قرآن، زبان عربی مبین است ".... وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ" (نحل/ ۱۰۳) و فضای ادبی حاکم بر آیات قرآنی شامل زبان

است. سوره با بکارگیری ترکیب خاص زبان ارجاعی و واقع نما این فضای کینه و دشمنی و برخورد حق تعالی با ابولهب را بخوبی نمایش می دهد.

۳-۳- زبان فصیح قرآن و ترسیم "جو" نزول قرآن

چنانکه گفته شد: "جو نزول، به سراسر قرآن کریم مربوط است و مراد از آن، بستر مناسب زمانی و مکانی سراسر قرآن است. حوادثی که طی سالیان نزول قرآن در حوزه اسلامی یا خارج از قلمرو زندگی مسلمانان و حکومت اسلامی پدید آمد و شرایط و افکاری که بر آن حاکم بود، یا رخدادهایی که بر اثر نزول آیات قرآن کریم در جهان آن روز پدید آمد، «جو نزول قرآن» است." (همان). با مطالعه آیات تحدی قرآن می توان به این جو در جهان عرب پی برد. نوع معجزه پیامبر(ص) از نوع کلامی بود که ادبای عرب سرآمد آن بودند و این امر از نوع مواجهه قرآن با مخاطبانی که قرآن را ساخته و پرداخته بشر می دانستند، آشکار می شود. تعبیر بکار رفته در آیات تحدی، بیان کننده جهت تحدی در یک امر محکم و نفوذ ناپذیر است (معرفت، ۱۴۱۵، ۴: ۱۳۹-۱۳۸) "قل لئن اجتمعت الانس و الجن... (اسراء/ ۸۸). این آیه و آیاتی از این دست (نک: هود/۱۳؛ بقره/۲۳؛ یونس/ ۳۸) بیانگر جو حاکم بر جامعه عربی آن روز است. گفته شده "ان القرآن نزل بین بلغاء العرب" (خویی، ۱۴۰۸: ۸۱) (بیانگر آن است که در عرف و فرهنگ عرب جاهلی که شعر و خطابه، هنر اصلی آنان بود، شیوه تحدی ادبی و هنری وجود داشته است. خداوند منکران وحی را در پرتو اسلوب منحصر به فرد قرآن که هم از نظر ترکیب، عام، خاص و هم ارضای عقل و عاطفه و هم شیوه و احکام هم براعت در تصریف سخن

سوره به تمام حق ستیزان تاریخ اعلان میکند که فرجام این رویارویی جز تباهی و خسران دو عالم برای آنها رهاورد دیگری ندارد.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۴۰). در این سوره اولاً نفرین بر وی، بیان زشتکاری اوست. دیگر آنکه این نفرین با تعبیر "تبت یدا"، نفرین را متوجه دو دست او که می تواند کنایه از قدرت و ثروت باشد و یا چنانکه گفته اند استفاده از ثروتش علیه پیامبر (ص) و راه وی باشد. زیرا به قرینه آیه "ما اغنی عنه ماله و ما کسب" در پی آیه اول می توان این معنا را در یافت (طبرسی، ۱۳۸۰، ۳۰: ۱۴۸۸). لحن سوره و ترکیب کلمات و فصاحت موجود در رساندن معانی در غایت، خود تصویری منفور از ابولهب ارائه می دهد. قولی تاریخی در دست است که نام ابولهب "عبد العزی" بوده و بیش تر به کنیه اباعبته خطاب می شده است. (زمخشری، ۱۴۱۶، ۴: ۸۱۴)، که خداوند بر موافقت با حال او وی را ابولهب خوانده است. خداوند او را به این کنیه خوانده؛ چون عاقبت او با آتش است. و مآل وی آتشی دارای زبانه است (نک: همانجا) زمخشری سپس می نویسد "فکان جدیر بأن یذکر بها" (همانجا) و می دانیم که "لهب" به معنای "زبانه آتش است." "ولا یغنی من اللهب" (مرسلات/ ۳۱) (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۵۴) که کنایه از هماغوشی وی با آتش است. این تعبیر بلیغ، بیانگر فضایی آکنده از دشمنی وی و همسرش با نبی مکرم اسلام است. همسر وی را (حماله الحطب) معرفی نموده که کنایه از برافروختن آتش در مسیر حضرت است (نک طبرسی، همان) ابن عباس گفته است "وی بر سر راه پیامبر(ص) به مسجد خار می افکند." (ابن عباس، ۱۴۲۵: ۶۶۲) یا کنایه از کینه و شرارت است که در همراهی و همدستی وی با ابولهب در دشمنی با رسول خدا (ص)

متناسب و هماهنگ (رزقانی، ۱۴۲۴، ۲: ۲۸۳-۲۸۸) به تحدی فراخواند. از همین جا می توان به جو ادبی نزول قرآن، یعنی فرهنگ ادبی حاکم برجزیره در زمان نزول قرآن پی برد. کلیت قرآن در این تحدی حضور دارد و مخاطبان آن نه فقط یک فرد یا گروه، بلکه فراتر از مکه و مدینه و به تعبیری فراتر از شرایط نزول یک آیه و یا یک سوره است. در اینجا قرآن است که حقانیت نزول خود را در جهان آن روز و همچنین در جو جهان ترسیم می کند. زیرا اکنون نیز کماکان آن تحدی جاری و ساری است.

۳-۴- زبان قرآن و نمایش عادات و فرهنگ جاهلی

عادات و آداب و رسوم در فرهنگ جاهلی منعکس شده در برخی سوره قرآنی را می توان وسیله ای برای کشف فضای نزول سوره ها دانست و از آنها به کشف شرایط و اوضاع و احوالی که درآیه گزارش آن آمده، پی برد سوره تکویر، نمونه خوبی برای کشف فضای نزول سوره و بلکه جو نزول قرآن است. سوره تکویر هفتمین سوره نازل قرآن است (معرفت، ۱۳۸۹: ۵۷) "و إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ" (تکویر: ۸-۹) بیانگر نگرشی است که در برخی قبائل به فرزند دختر داشتند. همچنین ظهار نوعی طلاق غیر قابل بازگشت بود "الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ... (مجادله/۲). که مرد حق رجوع نداشت و زن تا آخر عمر نمی توانست همسر دیگری برگزیند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹: ۳۱۲) از این رو ظهار، بدترین نوع طلاق دادن زن بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳: ۴۰۷). نویسنده تفسیر "منهج الصادقین" از عبارت "مِنْكُمْ" در آیه شریفه چنین استنباط نموده است که ظهار از آداب و رسوم

مخصوص اعراب جاهلی بود. با توجه به آیات مذکور می توان دریافت که این رسم، یعنی ظهار بین اعراب و قبل از ظهور اسلام رواج داشته و نوعی فرهنگ جاهلی بوده است. موردی دیگر از رسم جاهلی که می توان از خلال آیات (احزاب/ ۳۷ و ...) بدان دست یافت حرمت ازدواج با فرزند خوانده بوده است. پیامبر(ص) در این واقعه تاریخی با بزرگواری و از خود گذشتگی، بر دو سنت جاهلی زیر خط بطلان کشید: حرمت ازدواج با همسر مطلقه پسر خوانده و قبح ازدواج با همسر مطلقه یک غلام و برده آزاد شده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۳: ۶۱۵) بنابراین ما از معبر آیات مذکور می توانیم به فضا و جو نزول قرآن یعنی عادات و سنت های رایج جامعه عربی تا حد بسیاری پی ببریم.

۳-۵- زبان قرآن و سبک زندگی

یکی از اموری که از متن قرآن می توان دریافت، سبک زندگی و نوع گرایش های معیشتی و زیستی است که عموماً با ترسیم آن در آیات وعد و وعید متجلی می گردد. تصویر گری آیات بهشت با ترسیم تصاویر خوش منظره و خیال انگیز در قالب عباراتی حقیقی به شکلی تأثیر گذار بیان می شود. «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ.....» (محمد/۱۵). در این آیه و آیاتی نظیر آن، تصاویر رودها، انواع خوردنی ها و آشامیدنیها با عالی ترین انواع آنها که صحنه هایی دل انگیز ایجاد کرده و ذکر انواع میوه ها دل و ذهن را به هیجان وا داشته و آن را تحریک می کند تا آنها را در زیباترین شکل تصور نماید. این جملات بیانگر نوع تمایلات انسان ها و تلقی آن ها از پاداش هایی است که موجب تحریض و تحریک آنان برای انجام و یا ترک فعل می شود. این

روش قرآن به قرآن را توضیح دهد، بلکه از این جهت که نتایج این بحث، به توسعه چنان روشی - در تفسیر - کمک می کند، متذکر آن شده است. اما آن فائده این است که: می دانیم یکی از معیارهای قطعی و میزانی موکد، برای پذیرش و اخذ و یا رد روایات، در لسان ائمه دین "روش عرضه روایات به قرآن" است. - که کلینی در اصول کافی بابی تحت عنوان "الرد الی الکتاب والسنة" (کلینی، ۱۳۷۵، ۱: ۵۹) بدان اختصاص داده است. - که این خود معیار و ملاکی برای بررسی برخی روایت های تاریخی و روایی اسباب النزول ها نیز می باشد. و از این طریق به "روش تفسیر مأثور" هم کمک می نماید؛ چون اجازه نمی دهد روایات تفسیری که با فضای ترسیمی توسط قرآن ناسازگار است، در تفسیر به کار گرفته شود. علامه طباطبایی در این رابطه به نکته ای توجه می کند که موید فرضیه این نوشتار است، او می نویسد: «حدیث در اعتبار خود به تایید قرآن نیازمند است..... و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرآنی که در اطراف آیه موجود است، با آن ناسازگار بود به سبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه تایید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد.» «و اساساً مقاصد عالیة قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی می باشند، در استفاده خود از آیات کریمه قرآن نیازی به روایات اسباب نزول ندارند.» (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۲۰) وجود گزاره های موید این بحث را می توان در تفسیر سراغ گرفت. علامه طباطبایی عموماً در بحثهای روایتی، ذیل آیات مورد تفسیر، برخی روایات را مطرح و به اتکای بیان آیات، آن ها را نمی پذیرد و می گوید: که این روایت با ظاهر آیه و یا آیات نمی سازد. مثلاً وی ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده، در بحث روایی

امور، بازتابنده حساسیت ها و امور مطلوب جامعه عربی نیز هست. زیرا ذکر نهرها و رودها و آشامیدنی ها و میوه ها در سرزمینی که به بیان قرآن "وادی غیر ذی زرع" (ابراهیم/۳۷) است بیانگر مطلوبیت آن، در آن اقلیم و عصر نزول است هرچند این مطلوبیت در همه زمان ها و مکان ها می تواند ساری بوده که ناظر بر جو نزول قرآن در ترابط بین خود و مخاطبان است. وصف نعمات متنوع و دل انگیز بهشتی از قبیل باغ ها و چشمه ها، با در نظر گرفتن مراتب بهشتیان، ایجاد شوق و رغبت در انسان برای رسیدن به این نعمات است. در عین حال مطلوبیت آن را نزد عرب می رساند. نوع عادت، نوع سبک زندگی و مطلوبیت ها و ارزش ها که در آیات بهشت تصویر سازی شده نشان می دهد که بین آیات و جو و فضای نزول سوره رابطه وجود دارد و از متن می توان به آن فضا و جو تا حد بسیاری نائل آمد.

۴- غایت و فایده مترتب بر کشف فضا و جو از معبر قرآن

چنانکه آمد می توان از طریق ظهور زبانی قرآن و معبر آیات، به برخی از واقعیت ها و شرایط فرهنگی و اجتماعی و یا حتی امور عقیدتی و آرای رایج عصر نزول و آداب و عادات و عرف آن روز پی برد، این امر علاوه بر اینکه خود ره آورد قابل قبولی برای درک فضا و جو، از خلال آیات و سوره قرآنی است. می تواند نظریه تفسیری "روش تفسیر قرآن به قرآن" را در پرتو این امر تقویت نماید. علامه در روش تفسیر قرآن به قرآن میگوید: «و قال الله تعالى: "إنا أنزلنا عليك الكتاب لكل شيء" وحاشا أن يكون [القرآن] تبياناً لكل شيء و لا يكون تبياناً لنفسه» (طباطبایی، بی تا، ۱: ۱۱). البته این مقاله در صدد آن نبود که

می نویسد: «در نهج البیان از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: این آیه درباره تقیه نازل شده است. سپس ایشان در پایان توضیح خود می نویسد: "وقد تقدم فی البیان السابق أن ظاهر الآیه لاتساعد علی ذالک". (طباطبایی، بی تا، ۶: ۱۷۶) یعنی این قول با ظاهر آیه نمی سازد. بنابر این یکی از دستاوردهای این روش و نگاه می تواند، برخی روایات اسباب را در پرتو زبان قرآن، اصلاح و به تفسیر صحیح قرآن کمک کند.

یساعد علیه" یعنی سیاق آیات آن را تایید نمی کند. بنابر این از طریق سیاق، مکی یا مدنی بودن را تعیین می کند (طباطبایی، بی تا، ۹: ۷۶) و همانطور که پیشتر گفته شد، این امر بخشی از فضای نزول را شامل می شود. اینکه آیات مکی یا مدنی است جزئی از شرایط بیرونی و به تعبیری ظرف نزول آیات و سور است و مفسر می تواند با اتکاء به آیات و سیاق، آن را کشف نماید.

۴- بحث و نتیجه گیری

۴-۱- ترسیم فضای سوره، از جهت زمان و مکان، با توجه به سیاق آیات

نتیجه بدست آمده حاکی از آن است که، ۱. همانطور که شناخت اسباب نزول و جوّ و فضای نزول آیات و سور قرآنی میتواند در فهم و تفسیر قرآن موثر باشد، همچنین آیات و سور قرآنی می تواند در شناخت جوّ و فضای نزول قرآن و آیات آن موثر و قابل اعتنا باشد. نتایج نشان داد که می توان فرضیه مطرح را در حد یک نظریه ای که مؤیدات فراوانی دارد، مطرح نمود.

یکی از اجزاء فضا و جوّ نزول، "زمان و مکان" و حتی مخاطب و موضوع است (نک: رامیار، ۱۳۶۹: ۶۰۸) است. معلوم است که برخی از آیات و سور قرآنی در مکه و برخی در مدینه، یا در سفر و حضر نازل شده و یا ارضی و سماوی است (سیوطی، ۱۴۲۵: ۱۹) هرچند برخی، ملاک أقرب، در مکی و مدنی بودن را، خطاب و مخاطب دانسته اند (رزکشی، ۱۴۰۸، ۱: ۲۴۵) ولی طباطبایی با توجه به سیاق آیات به کشف این فضا نایل می آید، و از معبر آیات حکم به مکی مدنی آن می کند، در این باره می توان گفت، لازمه این کار در تفسیر، آن است که خود آیات و سیاق آن گویای فضای نزول و در اینجا زمان یا مکان، مخاطب یا موضوع (رامیار، ۱۳۹۶. همانجا) باشد. صاحب المیزان در آیه "و اذا یمکر بک الذین کفروا"(انفال/ ۳۰)، می گوید: در تفسیر قمی آمده که این آیه در مکه و قبل از هجرت نازل شده است و صاحب تفسیر الدر المنثور نیز می گوید که مکی است. سپس طباطبایی مینویسد: "لکن عرفت ان السیاق الآیات لا

۲. با تکیه بر ویژگی های «زبان قرآن» همچون «زبان واقع نما» و «زبان ارجاعی» و «زبان ادیبانه و فصیح» قرآن توانست نشان دهد که نگاه به آیات قرآنی از این زاویه می تواند ما را در کشف فضای فرهنگی، آداب و رسوم، عادت ها، سبک زندگی و نوع مطلوبیت ها و ارزش ها در جامعه عربی عصر نزول و حتی جوّ نزول قرآن و نسبت آن با آینده جهان، یاری دهد. این کار نشان داد که بین نصّ قرآنی و عالم واقع رابطه ای وجود دارد که زبان متن و ظاهر آیات، و روایتگری آن، «قرینه ها و شواهد»ی را بر فضای نزول سوره ها و جوّ قرآن، در جهان عرب و بلکه تاریخ، بدست می دهد.

خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵ش). الاستصحاب. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

الخویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۸ش). البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الزهراء.

ذهبی، محمد حسین. (۱۳۹۶ش). التفسیر و المفسرون. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم. (۱۴۰۴ش). المفردات فی غریب القرآن. چاپ دوم، بی جا: دفتر نشرالکتاب.

رامیار، محمود. (۱۳۹۶ش). تاریخ قرآن. تهران: انتشارات امیر کبیر.

زرقانی، عبدالعظیم. (۱۴۲۴ش). مناهل العرفان فی علوم القرآن. جلد ۲، بیروت: المکتبه العصریه.

زرکشی، بدرالدین. (۱۴۰۸ق). البرهان فی علوم القرآن. جلد ۱ و ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۶ق). الکشاف جلد ۴. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه مرکز انتشارات.

سبحانی، جعفر. (۱۳۸۴ش). المناهج التفسیریة فی علوم القرآن. قم، موسسه الامام الصادق.

سعیدی روشن، محمد باقر. (۱۳۸۳ش). تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان سمت.

۳. همچنین توانست نشان دهد که نگاه به آیات قرآنی از این زاویه در ضمن سوره ها بالاستقلال (نمونه مسد)، در ترسیم فضای حاکم بر نزول سوره، «قرائنی درخور توجه» در اختیار مفسر قرار میدهد. ره آورد این کار خود معیار و ملاکی برای بررسی برخی روایت های تاریخی و روایی اسباب النزول ها نیز می باشد که در صورت مذاقه بیشتر، می تواند معیار خوبی برای بررسی صحت روایات تفسیری و تاریخ و سبب نزول نیز بدست دهد.

۴. همچنین با اتکای به تحلیل آیات و سیاق آن می توان به بخشی از فضای نزول (زمان و مکان، مخاطب و ... مکی بودن یا نبودن) آیات راه پیدا کرد.

کتابنامه:

قرآن کریم.

ابن عباس، عبدالله. (۱۴۲۵). تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس. ۶۶۲ بیروت: دارالکتب العلمیه.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (?). البرهان فی تفسیر القرآن. جلد ۳، قم: موسسه البعته، قسم الدراسات الاسلامیه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). تسنیم. جلد ۱، قم: مرکز نشر اسراء.

حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۵ش). اسباب النزول. تهران: وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.

خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۷۴ش). «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم»، مجله بینات، سال دوم، ش ۵، ص ۹۵.

- سعیدی روشن، محمد باقر. (۱۳۸۲). "زبان قرآن؛ تعهد برانگیزی در متن واقع گویی" پژوهش های قرآنی، شماره ۳۴. ویژه قرآن و حقوق (۱)، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- سلیمانی، داود. (۱۳۹۲ش). فقه الحدیث و تقدالحدیث. تهران: فرهنگ و دانش.
- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. قاهره: دارالشروق.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۵ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۰ق). اسباب النزول. بیروت: دارالهجره.
- شاکر محمد کاظم و سید محمد علی ایازی. (۱۳۸۶). آشنایی با علوم قرآنی. بی جا.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۶). زبان شناسی و ادبیات، "فرا زبان و ارجاع زبان". تهران، انتشارات هرمس.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (؟). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱. ۶. ۹. قم. منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۹. چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۳۷۲). قرآن در اسلام، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۸۰ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن جلد ۳۰. ترجمه علی کرمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طوسی، ابوحسن محمد بن جعفر. (؟). التبیان فی تفسیرالقرآن، جلد ۱۰. تحقیق و مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ق). کتاب العین، جلد سوم. قم: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). الاصول من الکافی جلد ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۹). تاریخ قرآن، قم، انتشارات مهر.
- (۱۳۸۳). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، جلد اول، چاپ دوم، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن، جلد ۴. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، جلد ۲۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

..... (۱۳۸۶ش). برگزیده تفسیر نمونه ،
واحدی نیشابوری، و جلال الدین سیوطی. (۱۳۶۲ش). شأن
تهران : دار الکتب الاسلامیه.
نزول آیات، ترجمه ی محمد جعفر اسلامی، تهران: بنیاد علوم
اسلامی.

